

# جلسه ۱

از کجا آمده‌ام؟



# جلسه ۱: از کجا آمده‌ام؟

## آیه اصلی:

اول یوحنا ۵: ۱۲: «آن که پسر را دارد، حیات دارد و آن که پسر خدا را ندارد از حیات برخوردار نیست.»

## هدف:

درک کنیم چگونه ناطاعتی آدم و حوا منجر به این شد که ما به لحاظ روحانی مرده زاده شدیم و نیاز داریم که به احساس اهمیت، امنیت، و پذیرش دست یابیم.

## نکته اصلی:

تا پیش از اینکه مسیحی شویم، پذیرفته شدن، ایمن و مهم بودن نیاز مبرم ما بود. اکنون در مسیح از نظر روحانی فرزندان زنده خدا می‌باشیم که پذیرفته شده، ایمن و مهم هستیم.



## قابل توجه رهبر

در این نخستین جلسه به افراد کمک می‌کنید که به این پرسش پاسخ دهند: «من کیستم؟» این سؤال ساده به نظر می‌رسد. روش پاسخگویی مسیحیان به این پرسش آشکار می‌سازد که در مورد انجیل و میراث روحانی‌شان چه عقیده‌ای دارند.

لازم است مسیحیان درک کنند که چرا نیازشان به هویت، پذیرش، امنیت و اهمیت را نمی‌توان از طریق حفظ ظاهر، کار و موقعیت اجتماعی بطور کامل برطرف نمود. شما ایشان را آماده می‌کنید تا به این درک برسند که این نیازها با فرزند خدا شدن، که دنباله‌اش در جلسه دوم پیگیری خواهد شد، به طور کامل رفع می‌شود.

اگر در نظر دارید که پس از جلسه ۸ برنامه‌ای برای یک روز تعطیل ترتیب دهید، یادتان باشد که تاریخش را از قبل تعیین کنید تا آنها در جریان باشند و حتماً شرکت کنند. اگر از پیش چنین کاری نکرده‌اید، شاید اکنون بهترین زمان باشد که کارت پستال‌های رنگی «آزادی در مسیح» را در ارتباط با فهرست حقایقی که در طی این دوره با آنها سروکار دارید، سفارش دهید- جزئیات مربوط به سفارش در بخش مقدمه آمده است.

توصیه ما این است که در مقطع مناسبی از جلسه شهادت‌های خودتان یا دیگرانی را که قبلاً دوره آزادی در مسیح را گذرانده‌اند، با گروه در میان بگذارید. اگر هنوز شهادتی ندارید، می‌توانید چکیده‌نامه‌هایی را که برای سازمان «آزادی در مسیح» فرستاده می‌شوند و در صفحه بعد شرح آنها آمده، بخوانید.

# شهادت‌ها

آنچه در ذیل می‌خوانید، چکیده‌ای است از نامه‌هایی که برای سازمان "آزادی در مسیح" فرستاده شده‌اند. در صورتی که هیچ شهادت «زنده»‌ای از خودتان ندارید، می‌توانید آنها را به عنوان شهادت‌هایی از تجربیات افرادی که دوره را گذرانده‌اند، بخوانید.

۱- "حقیقتاً می‌توانم بگویم که پس از یافتن مسیح به عنوان منجی‌ام، ورود به پُری روحانی آزادی در مسیح مهم‌ترین لحظه زندگی‌ام بوده است - آن را به شما هم توصیه می‌کنم."

۲- "... یافتن آزادی‌ام در مسیح زندگی‌ام را متحول نمود ..."

۳- "من سالهاست که مسیحی شده‌ام، در همه جلسات شرکت می‌کردم، کارهای خوب انجام می‌دادم، و در فعالیتهای کلیسایی نیز سهیم بودم. اما اکنون خیلی وقت است که غمگینانه در این اندیشه هستم که باید چیزی فراتر از زندگی کلیسایی هم وجود داشته باشد، و اینکه اگر شخص درستی برایم دعا کند و بطور مخصوص لمس شده، تجربه جدیدی کسب کنم، آنوقت خیلی روحانی‌تر و در نتیجه یک مسیحی بهتر خواهم بود."

اما با گوش دادن به تعالیم هفته گذشته دریافتم که من عملاً همه حقایقی را که در مورد آنها صحبت شد از قبل می‌دانسته‌ام و این موجب دلگرمی‌ام گردید.

روز شنبه در ضمن گذراندن "گامهایی بسوی آزادی در مسیح" عملاً هیچ چیزی "احساس" نکردم، اما بعداً فهمیدم که در اعماق وجودم هیچ موضوعی نیست که نیاز به رسیدگی داشته باشد (به استثنای یکی دو مورد کوچک)؛ گویی قبلاً خدا به آنها رسیدگی کرده است. باورم نمی‌شد. دیگر هیچ موضوعی نیست که ندانم چگونه با آن برخورد کنم. بامداد یکشنبه در طول جلسه پرستشی پیوسته می‌گریستم."

۴- "می‌خواستم با شما تماس بگیرم و مراتب تشکر و تحسین خودم را اعلام نمایم! چون دیشب برای نخستین بار خدا را حمدگویان به بستر رفتم، به او گفتم که دوستش دارم. و امروز صبح با قلبی سرشار از محبت او از خواب بیدار شدم."

حقایقی را که در طی این دوره کسب کردم، باعث آزادی من شدند، گرچه مقدار زیادی از آنرا "میدانستم" هیچکدام برایم واقعی نبود. دیواری از درد و زخم و دروغ، مخصوصاً دروغهایی در مورد خدا، مرا از حقیقت محبت خدا و نجات مسیح جدا کرده بود. اما در طی این هفته، آن دیوار فرو ریخت.

# برنامه زمانی برای گروه کوچک: جلسه ۱

برنامه زیر برای کمک به آنانی طراحی شده که هدایت دوره را در گروه های کوچک بر عهده دارند. فرض بر این است که مدت جلسه ۲ ساعت باشد و پیشنهاد می شود که هر بخش از جلسه چه مدتی به درازا بکشد و در ضمن، مجموع زمان منقضی شده را هم نشان می دهد. برای هر جلسه یک برنامه زمانی خواهید یافت.

خوشامدگویی	۵ دقیقه	جمع: ۰ : ۵
پرستش	۸ دقیقه	۰ : ۱۳
کلام - بخش ۱	۲۰ دقیقه	۰ : ۳۳
مکت برای تفکر - ۱	۲۵ دقیقه	۰ : ۵۸
کلام - بخش ۲	۱۷ دقیقه	۱ : ۱۵
مکت برای تفکر - ۲	۱۵ دقیقه	۱ : ۳۰
کلام - بخش ۳	۸ دقیقه	۱ : ۳۸
مکت برای تفکر - ۳	۱۵ دقیقه	۱ : ۵۳
کلام - بخش ۴	۷ دقیقه	۲ : ۰۰

## توجه:

بخش شهادت در برنامه زمانی در نظر گرفته نشده، چون آن را به همراه بخشی از مکت برای تفکر به حساب آورده ایم. اگر مایلید که آن را جداگانه انجام دهید، به ۵ تا ۱۰ دقیقه بیشتر نیاز دارید.

کسانی که در وبسایت آزادی در مسیح ثبت نام کرده اند، می توانند نسخه ای از برنامه زمانی درسها را به طور رایگان دانلود کرده، ساعت شروع و دقایق مربوط به هر بخش را بنا به خواست خود تغییر دهند.



## خوشامدگویی



چند دقیقه ای را صرف گفتگوی دو به دو کنید تا هر چه بیشتر از یکدیگر شناخت پیدا کنید. سپس در مورد طرف مقابل خود در زمانی کمتر از ۳۰ ثانیه به پرسش "او کیست؟" پاسخ دهید.



اگر گروهی جدید در اختیار دارید، می توانید این زمان را بیشتر کنید و از هر دو نفر بخواهید همدیگر را به کل گروه معرفی نمایند.

## پرستش



موضوع پیشنهادی: نقشه ها و وعده های خدا.

یک یا دو بخش زیر را بخوانید:

مزمور ۳۳: ۱۰-۱۱؛ ایوب ۴۲: ۲؛ امثال ۱۹: ۲۱

به اعضای گروه پیشنهاد کنید که در حین حمد و پرستش، صفات خدای ما - مثلاً: حکمت، حاکمیت مطلق، قدوسیت، وفاداری و غیره - یا نام های گوناگون خدا را با صدای بلند اعلان کنند.

## کلام



استیو گاس چهار کتاب کوتاه نوشته که به 'مجموعه کتاب های "شاگردسازی آزادی در مسیح"' شناخته شده اند و به چهار بخش این دوره ارتباط پیدا می کنند. جلد اول آن با عنوان "آزادی در خویشتن خویش" (انتشارات ۲۲۲ سال ۲۰۱۴)، به بخش الف این کتاب [چهار جلسه اول] مربوط می شود. برای آشنائی بیشتر با مطالب این جلسه، صفحات ۱ - ۳۵ آنرا بخوانید. ◀

## مقدمه

### به راستی شما کی هستید؟

هدف از دوره "آزادی در مسیح" کمک به ما است که می خواهیم در آزادی ای که عیسی برایمان به ارمغان آورده، سلوک نماییم. چگونه می توانیم این کار را انجام دهیم؟ عیسی فرمود: "حقیقت را خواهید شناخت و حقیقت شما را آزاد خواهد کرد" (یوحنا ۸: ۳۲). لازم است حتماً مطمئن شویم که واقعاً حقیقت را می شناسیم؛ "شناختی قلبی" نه "شناختی ذهنی".

نخستین حقیقتی که باید بشناسیم، این است که از کجا آمده ایم و واقعاً کی هستیم.

از کجا آمده ام؟

جلسه ۱

پس شما کی هستید؟ به نظر پرسش ساده‌ای است.

[در این قسمت جزئیات شخصی خودتان را وارد نمایید]

“خب، من استیو گاس هستم.” اما می‌توانید به درستی خاطرنشان کنید که: “نه، این تنها نام شماست. شما کی هستید؟”

“من برای سازمان آزادی در مسیح کار می‌کنم.” “نه، این شغل شماست.”  
 “من انگلیسی هستم” “نه، این جایی است که در آن زندگی می‌کنید.”

آیا آن کسی که شما به دنبالش می‌گردید، به راستی من هستم؟

[به توصیف مشخصات ظاهری خودتان بپردازید، مثلاً قد ۱/۷۵ متر، مو مشکی، و غیره.]

◀ می‌توانید مرا روی تخت عمل جراحی بگذارید تا سعی کنید بفهمید واقعاً کیستم.

◀ اگر یکی از دستانم را قطع کنید، آیا من باز هم من هستم؟

◀ اگر یکی از پاهایم را هم قطع کنید، آیا باز هم خودم هستم؟

◀ اگر قلب و کلیه‌ها و کبد دیگری را به من پیوند بزنید، چطور؟  
 آیا باز هم خودم هستم؟

پس من از کجا آمده‌ام؟ اگر به قطعه قطعه کردن من ادامه دهید، آیا در نهایت مرا خواهید یافت؟ آخر باید من یک جایی این اطراف باشم!

سؤال این است: ◀ “من” واقعی، “شما” واقعی از چه چیزی تشکیل شده؟ آیا بدنم است؟ آیا دارائی‌هایم است؟ آیا کاری است که به آن مشغولم؟ آیا چیزی است که بدان می‌اندیشم؟

## شما به صورت خدا آفریده شده‌اید

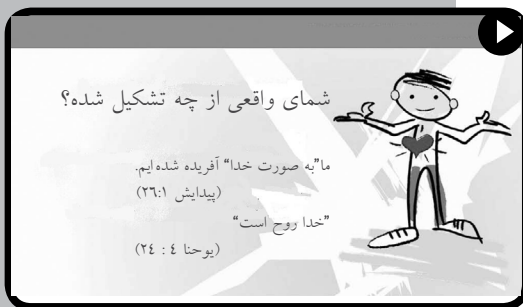
پولس در دوم قرن‌تیا ۵ : ۱۶ می‌فرماید: “از این پس درباره هیچ‌کس با معیارهای بشری قضاوت نمی‌کنیم.” ولی ما چنین می‌کنیم! ما دوست داریم خودمان و دیگران را از روی ظاهر، کارها و موقعیت اجتماعی بشناسیم.

با این حال، کتاب مقدس به روشنی می‌گوید که ما این نیستیم. ◀ کلام خدا می‌گوید که ما “به صورت خدا” (پیدایش ۱: ۲۶) آفریده شده‌ایم، و خدا هم جسم و خون نیست. ◀ او روح است.

ما دارای طبیعتی روحانی هستیم، یک شخصیت (روان/روح) درونی. بدن هم داریم- اما این بدن روزی خواهد مرد و ما آن را بر جای خواهیم نهاد. این شخصیت بیرونی ما نیست که به صورت خدا آفریده شده؛ شخصیت



جمعاً ۲ اسلاید



“خدا روح است” (یوحنا ۴: ۲۴)  
 عیسی جواب داد: “آمین، آمین،  
 به تو می‌گویم تا کسی از آب  
 و روح زاده نشود، نمی‌تواند به  
 پادشاهی خدا راه یابد. آنچه از  
 بشر خاکی زاده شود، بشری  
 است؛ اما آنچه از روح زاده  
 شود، روحانی است”  
 (یوحنا ۳: ۵-۷)

درونی ماست که قابلیت اندیشیدن، احساس کردن و انتخاب کردن دارد. ما در اعماق وجودمان موجوداتی روحانی هستیم.

کتاب مقدس به ما اطمینان می‌دهد که واقعیت نهایی در جهان، روحانی است. جهان نادیدنی درست به همان اندازه جهان دیدنی واقعیت دارد (عبرانیان ۱۱:۳). هر چیز مادی که ما می‌بینیم، موقتی است و خواهد گذشت، اما چیزهای روحانی تا به ابد می‌مانند (دوم قرنتیان ۴:۱۸).

## چگونگی طراحی وجود ما

◀ به لحاظ جسمانی، تبار همه انسان‌ها به یک زوج، یعنی آدم و حوا می‌رسد. جالب اینجا است که تحلیل چیزی موسوم به «میتوکوندریال دی. ان. ای» دانشمندان را به این نتیجه رسانده که همه انسانها از یک زن به وجود آمده‌اند (حتی اگر نپذیرند که وی لزوماً تنها زن زنده در آن زمان بوده باشد) و تحلیل کروموزوم‌های Y ایشان را به این نتیجه رسانده که نسب همه انسانها هم به یک مرد می‌رسد. خوب است بدانید که شواهد زیست‌شناختی بر گفته‌های کتاب مقدس صحنه می‌گذارند.

دست کم، آدم و حوا زندگی خود را کاملاً متفاوت از ما آغاز کردند. پرسش کلیدی که باید مورد توجه قرار داد این است که آدم چگونه پا به عرصه زندگی نهاد؟ پاسخ این سؤال دو بخش دارد:

## زنده به لحاظ جسمانی

◀ نخست اینکه، آدم از لحاظ جسمانی زنده بود. این یعنی آنکه روح او - همان شخصیت درونی، یا کُنه وجودش - به بدنش مرتبط بود. اگر از لحاظ جسمانی می‌مرد، روحش از بدن جدا می‌شد. به عبارت دیگر "از بدن غربت جسته، نزد خداوند منزل" می‌گرفت (دوم قرنتیان ۵:۸).

ما از نظر جسمانی زنده‌ایم و بدنی مادی داریم، بدین معنا که می‌توانیم بچشیم، لمس کنیم، ببوییم، احساس کنیم و ببینیم.

## زنده به لحاظ روحانی

◀ اما آدم از نظر روحانی نیز زنده بود. این فرق می‌کند و بدین معناست که روح او - کُنه وجودش - با خدا مرتبط بود.

ما نیز این گونه طراحی شده‌ایم: از یک سو روح مان با بدن جسمانی مان در ارتباط است، و از سوی دیگر روح مان با خدا در ارتباط می‌باشد.

### توجه:

برخی الهی‌دانان بر این عقیده‌اند که روح و روان انسان یک چیزند. دیگران بر آنند که روح انسان از روان وی متمایز است. اصطلاح "شخصیت درونی" ناظر به هر دو برداشت می‌باشد.



◀ این ارتباط با خدا به آدم خصوصیتی داد که از زنده بودن صرفاً به لحاظ جسمانی، کاملاً متفاوت بود. زنده بودن از لحاظ روحانی بدین معنا است که زندگی آدم از چند قابلیت بسیار مهم برخوردار بود:

زندگی آنگونه که خدا در ابتدا در نظر داشت

اهمیت: هدفی خدادادی (پیدایش ۱: ۲۸)

امنیت: برآورده شدن همه نیازها (پیدایش ۱: ۲۹)

پذیرش: احساس یکی بودن و تعلق داشتن

به خدا و دیگران (پیدایش ۲: ۱۸)

## ۱- اهمیت

◀ خدا به آدم هدفی برای بودن داد- فرمانروایی بر مرغان آسمان، بهایم روی زمین و ماهیان دریا (پیدایش ۱: ۲۸). آدم لازم نداشت در زندگی در پی اهمیت یا معنا باشد- چرا که اینها را از پیش داشت.

## ۲- امنیت

◀ او در حضور خدا از امنیت کامل برخوردار بود. هر چیز که نیاز داشت- اعم از خوراک، سرپناه، همنشین- برایش فراهم بود؛ همه چیز! اصلاً چیزی به نام "نیاز" برایش مفهوم نداشت.

## ۳- پذیرش

◀ آدم با خدا رابطه‌ای صمیمانه داشت. می توانست هر زمان با او به گفتگو بنشیند و توجه کامل او را به خود جلب نماید. سپس خدا حوا را هم برای آدم آفرید (پیدایش ۱: ۲۷-۲۸). او یک حس تعلق داشت، نه فقط به خدا، بلکه به انسانی دیگر.

آنان مورد پذیرش خدا و همدیگر بودند. برهنه بودند، اما شرمی نداشتند- چیزی برای پنهان کردن یا پوشانیدن وجود نداشت. آنان در حضور خدا با هم رابطه‌ای صمیمانه داشتند.

خدا شما را اینگونه آفرید. شما برای یک چنین زندگی‌ای طراحی شده اید. امنیت کامل، هدفی واقعی، بدون نیاز به نگرانی برای چیزی، و یک حس تعلق به خدا و دیگر انسان‌ها.





## مکت برای تفکر - ۱

هدف:

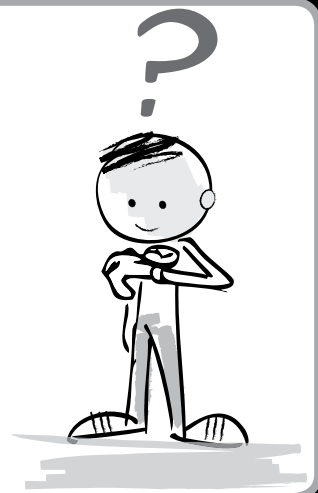
تشویق افراد به سخن گفتن و تأکید بر این نکته که آدم و حوا کاملاً به اهمیت، امنیت و پذیرش خود مطمئن بودند.

### ◀ سؤالات:

آیا می‌توانید بگویید که به چه دلیل وارد دوره "آزادی در مسیح" شده‌اید و امید دارید که چه چیزی از آن نصیبتان شود؟

زندگی روزمره آدم و حوا را چگونه که تازه آفریده شده بودند، تصور نمایید. با زندگی شما چقدر تفاوت داشته است؟

فکر می‌کنید هر شب هنگامی که به بستر می‌رفتند، به چه چیزهایی می‌اندیشیدند؟



## پیامد سقوط

### مرگ روحانی

◀ شیطان آدم و حوا را فریب داد و آنها نیز از خدا نافرمانی کردند. کتاب مقدس این نافرمانی را "گناه" می‌نامد. خدا بدیشان فرمود: "اما از درخت معرفت نیک و بد زنهار نخوری، زیرا روزی که از آن خوردی، هرآینه خواهی مرد." (پیدایش ۲:۱۷). آنها خوردند و مردند. جسماً؟ نه. موعد مرگ جسمانی سرانجام فرا رسید، اما ۹۰۰ سال بعد. ◀ مرگ آنها روحانی بود.

ارتباطی که روح ایشان با خدا داشت، از هم گسست و از خدا جدا شدند. در نتیجه، هر کسی که از آن زمان به بعد پا به این جهان گذاشته، از نظر جسمانی زنده اما از نظر روحانی مرده به دنیا می‌آید. افسسیان ۱:۲ می‌گوید که ما "به سبب نافرمانیها و گناهان خود مرده" به دنیا آمده ایم. "مرده به دنیا آمده" - آیا منظورش این است که جنین مرده به دنیا می‌آید؟ نه. ما جسماً زنده به دنیا می‌آییم، اما از نظر روحانی مرده ایم - از خدا جدایییم (رومیان ۵:۱۲؛ اول قرنتیان ۱۵:۲۱-۲۲؛ افسسیان ۱:۲).



پیامد سقوط:

مرگ روحانی

تأثیرات عملی گناه آنان بسیار زیاد و گوناگون است، اما آنها را می‌توان در یک کلمه خلاصه کرد: "مرگ". برخی از تأثیرات این مرگ روحانی برای آنان (و متعاقباً برای ما) از این قرار است:

## ۱- از دست دادن معرفت خدا

حکمت خدا دیگر در درون ایشان نبود، و آنان به حال خود واگذاشته شدند تا هویت، مقصود و معنای زندگی را مستقل از آفریدگارشان کشف نمایند. این واقعیت که آدم در ادراکش از کارایی لازم برخوردار نیست، خیلی زود آشکار شد، آن هنگام که کوشید خویشتن را از حضور خدایی که دانا بر همه چیز است و در همه جا حضور دارد، پنهان نماید! (پیدایش ۳: ۷-۸)

به پولس گوش فرا دهید که ذریت آدم را چگونه توصیف می‌کند: "عقل آنها تاریک شده است، و به‌علت جهالتی که نتیجهٔ سختدلی‌شان است، از حیات خدا به‌دور افتاده‌اند." (افسیان ۴: ۱۸). فهم ایشان بدین خاطر تاریک شده که فاقد حیات روحانی هستند. پولس هم به ما می‌گوید که شخص طبیعی که از نظر روحانی مرده نمی‌تواند امور خدا را تشخیص دهد، چون این امور را باید از لحاظ روحانی تشخیص داد (اول قرنتیان ۲: ۱۴).

رابطه داشتن با خدا مساوی بود با شناختن خدا. زمانی که آدم و حوا گناه کردند و از حضور خدا رانده شدند، شناخت صمیمانه خدا را که زمانی از آن بهره‌مند بودند، از دست دادند. ما این گونه پا به دنیا می‌گذاریم: بدون شناختی حقیقی از خدا. و تا زمانی که از طریق عیسی مسیح رابطه‌ای واقعی با او برقرار نکنیم، واقعاً نمی‌توانیم او را بشناسیم.

پولس این را دریافته بود. زمانی که خدا او را در راه دمشق نقش زمین نمود، وی شایستهٔ دریافت رتبهٔ "برترین الهی دان سال" بود. اما او دوباره آن معرفتی را که آدم در ابتدا با خدا داشت کشف کرد، رابطه‌ای واقعی و صمیمی، نه یک برداشت صرفاً الهیاتی. واکنش او این بود: "همه‌چیز را در قیاس با ارزش برتر شناخت خداوند مسیح عیسی، زیان می‌دانم، ... اینها همه را فاصله می‌شمارم." (فیلیپیان ۳: ۸).

### از دست دادن معرفت خدا

ذریت آدم در حالی به دنیا می‌آیند که "عقل آنها تاریک شده است" (افسیان ۴: ۱۸)  
"شناخت" دیگر دربارهٔ رابطه نبود

شناخت واقعی خدا مستلزم داشتن رابطهٔ صمیمانه با اوست - نه صرفاً دانستن یک سری واقعیات در مورد او. این روزها در مورد ازدواج‌های اینترنتی می‌شنوید که مردم از طریق اینترنت یکدیگر را ملاقات می‌کنند و پس از آن با هم ازدواج می‌کنند. اما اگر رابطهٔ شما با همسران در حد ایمیل و فرستادن عکس تکی باقی بماند و هرگز یکدیگر را نبینید، چگونه خواهید توانست همسر خود را بشناسید؟

## ۲- احساسات منفی

◀ آنها ناگهان سیلی از احساسات منفی را که پیش از آن برایشان ناآشنا بود، تجربه کردند.

### ◀ آنها احساس ترس و اضطراب کردند

نخستین حسی که آدم ابراز کرد، این بود: ” ترسیدم “ (پیدایش ۳:۱۰). ” مترس “ یکی از دستورهایی است که بارها در کتاب مقدس تکرار شده است. اختلالات ناشی از اضطراب، مشکل درجه یک سلامت روانی در جهان به شمار می رود. تصورش دشوار است، اما آدم و حوا تا زمانی که مرتکب گناه نشده بودند، هیچ ترس غیرمنطقی و مبهمی نداشتند. ما با نیاز مبرم به بازگشت به وضعیت آمنی که ایشان از دست دادند، به دنیا می آییم.

### ◀ آنها احساس تقصیر و شرم کردند

ایشان در ابتدا احساس اهمیت و اعتبار می کردند ولی هنگامی که رابطه شان با خدا گسسته شد، جای آن را حس تقصیر و شرم گرفت، و از این رو همه ما با احساس نیاز به پس گرفتن آن حس اهمیت، پا به جهان می گذاریم. آنچه که از ویژگیهای آدم و حوا بود، در ما تبدیل به نیازی مسلم گردید.

فرض کنید که در خلال این دوره من افتخار آشنایی نزدیک با شما را پیدا کنم و موفق شوم به آنچه که در درونتان می گذرد پی ببرم. آیا فکر می کنید از شما خوشم خواهد آمد؟

[پیش از دنبال کردن بحث مکثی نسبتاً طولانی بکنید]

زمانی که من این پرسش را مطرح کردم چه حسی به شما دست داد؟ حس تقصیر و شرمی که از آدم به ارث برده ایم باعث شده که اکثر ما ترس شدیدی از اینکه مبدا کسی به واقعیت درون ما پی ببرد، داشته باشیم. بحران هویت و تصویر منفی ای که از خود داریم، از زمان سقوط آدم تا کنون معضلات بشر بوده اند.

### ◀ آنها احساس طردشدگی کردند

در آغاز، ایشان احساس تعلق و پذیرش کامل می کردند ولی وقتی رابطه آنها با خدا از هم گسیخت، جای آن را حس طردشدگی خردکننده ای گرفت. همه ما با این حس به دنیا می آییم که باعث می شود نیاز به پذیرفته شدن در ما بوجود آید. باز، چیزی که جزو ویژگی های آدم و حوا بود، در ما تبدیل به نیازی مسلم گردید. برای یک تنه ایستادن در برابر چیزهایی که دیگران

احساسات منفی

نیاز به حس امنیت	ترسان و مضطرب
نیاز به حس اهمیت	مقصر و شرمگین
نیاز به مورد پذیرش بودن	مطرود
نیاز به قدرت و کنترل	ضعیف و ناتوان
در جستجوی خوشبختی	افسرده و خشمگین



اغلب شنیده ایم که می گویند حکم ” مترس “ ۳۶۵ بار در کتاب مقدس تکرار شده. یعنی یکبار به ازای هر روز سال. این برداشت به شرط صحت می تواند جالب باشد! در واقع این دستور تنها ۱۷۰ مرتبه تکرار شده است

می‌گویند شجاعتی باورنکردنی لازم است، چون نیاز ما به تعلق داشتن به دیگران، سازگار بودن با آنها و پذیرفته شدن از سوی آنان بسیار قوی است

### ◀ آنها احساس ضعف و ناتوانی کردند

در ابتدا آدم و حوا قدرت خدا را در درون خود داشتند و می‌توانستند همان چیزی باشند و انجام دهند که خدا ایشان را برای بودن و انجام دانش آفریده بود. اکنون مجبور بودند بر قوت و امکانات خودشان اتکا نمایند. همه ما با این حس به دنیا می‌آییم که در این جهان تنها هستیم و این حس را نمی‌توانیم کنترل کنیم. به همین خاطر است که از همان سنین اولیه زندگی سعی داریم قوی عمل کنیم و زمام امور زندگی خودمان را در دست بگیریم. ما به گونه‌ای طراحی شده بودیم که کاملاً به خدا وابسته باشیم. با وجود این، به دلیل آنکه او را نمی‌شناختیم، با تلاش برای در دست گرفتن سرنوشت خودمان بزرگ شده‌ایم، که البته نتیجه‌اش اغلب اعمال سلطه بر دیگران است. این کار فایده‌ای ندارد، و دست بر قضا هیچ کس از شخصی که بر دیگران اعمال سلطه می‌کند، متزلزل تر نیست.

### ◀ آنها احساس افسردگی و خشم کردند

جای تعجب نیست که آنها احساس افسردگی و خشم هم کردند. ما این موضوع را در اوایل کتاب مقدس می‌بینیم، زمانیکه قائن و هابیل هدایای خود را برای خدا آوردند، اما خدا هدیه قائن را نپذیرفت، و قائن افسرده و خشمگین شد (پیدایش ۴: ۱ تا آخر باب). افسردگی دومین مشکل سلامت روانی در جهان به شمار می‌رود. چنان شایع است که معمولاً از آن به عنوان سرماخوردگی روانی یاد می‌کنند. ما علیرغم همه پیشرفتهای فنی که داشته‌ایم، در «عصر اضطراب» زندگی می‌کنیم.



در بریتانیا حدود ۲۵ درصد از زنان و ۱۰ درصد از مردان زیر ۶۵ سال، دست کم یک بار دوره افسردگی بالینی را تجربه می‌کنند. چگونه است که بانوان ما از مردان بیشتر افسرده می‌شوند؟ شاید این به خاطر کسانی باشد که با آنها زندگی می‌کنند!

«تا سال ۲۰۲۰ افسردگی شدید دومین عامل مرگ و میر، پس از بیماری قلبی، خواهد بود. شایع ترین مشکل، افسردگی بالینی است. چنین برآورد می‌شود که ۱۲ درصد مردان و ۲۰-۲۶ درصد زنان در طول عمر خود دست کم به یک دوره افسردگی دچار خواهند شد»  
ریچارد هورنزی، مدیر بنیاد سر رابرت ماند، لندن.

Richard Hornsby, Director of The Sir Robert Mond Memorial Trust, London.

## تلاش برای بازگشت به آنچه که از ابتدا منظور نظر بوده

بهترین هایی که جهان عرضه می‌کند نیز، کارساز نیستند

◀ در نتیجه سقوط، ما با میل شدیدی برای دوباره به دست آوردن پذیرش، امنیت و اهمیتی که آدم و حوا از دست دادند، دنیا می‌آییم. اما نمی‌دانیم چگونه این کار را انجام دهیم. پس جای شگفتی نیست که در مورد هویت واقعی خویش و اینکه چه چیزی واقعا خوشبختمان می‌سازد، قدری گیج هستیم. به اتومبیل بی‌بنزینی می‌مانیم که سعی می‌کند بفهمد هدف از بودنش در اینجا چیست. ظاهر اتومبیل هر چقدر هم خوب باشد، بدون بنزین نمی‌تواند به مقصد برسد.

◀ جهان به ما یک مشت معادله غلط ارائه می‌کند که نوید بازیافتن چیزهایی را می‌دهند که آدم و حوا از دست دادند:

کارآیی + دستاورد = اهمیت

مقام + تأیید = امنیت

ظاهر + تحسین = پذیرش

◀ اما هرگز نمی‌توان با تلاشهای انسانی، از طریق ظاهر، کار، و موقعیت اجتماعی، آنچه را که آدم و حوا از دست دادند دوباره کسب کرد.

سلیمان را در نظر بگیرید که در اوج اقتدار یک ملت، پادشاه ایشان بود. او هم موقعیت داشت و هم قدرت اینرا که هر کاری دلش می‌خواست انجام دهد، و از ثروت لازم برای تقبل هزینه کارهایش نیز برخوردار بود- هنوز وصف معادن سلیمان پادشاه ورد زبانهاست. تعداد زنان حرمسرای او بیشتر از آرزوی هر مردی بود. اما با همه این اوصاف، وی در تلاش برای یافتن هدف و معنای زندگی مستقل از خدا بود. خدا به سلیمان بیشتر از هر کسی که پا بر این کره خاکی نهاده حکمت داد، پس او حکمت لازم برای تفسیر یافته‌های خود را داشت. وی در مورد نتیجه‌گیری‌های خودش در عهدعتیق، در کتاب "جامعه" چیزهایی نوشت. آیا می‌دانید به چه نتیجه‌ای رسیده بود؟ ▶ "باطل اباطیل، همه چیز باطل است." (جامعه ۱:۲).

برنارد لنگر (Bernhard Langer)، یکی از برجسته‌ترین گلف‌بازانی که در ضمن مسیحی هم هست، به همین نتیجه رسید:

زمانی که به ۲۸ سالگی رسیدم، عملاً به هر چه که می‌خواستم رسیده بودم و فهمیدم که مادیات باعث خوشبختی انسان

### تلاش برای بازگشت

معادلات غلط

کارآیی + دستاورد = اهمیت

مقام + تأیید = امنیت

ظاهر + تحسین = پذیرش

بهترین هایی که جهان عرضه می‌کند نیز، کارساز نیستند. "باطل اباطیل، همه چیز باطل است" (جامعه ۱:۲) اطاعت از مقررات کارساز نیست



همه تلاشهایی که ما با روش های دنیوی، برای باز یافتن خویش بکار می‌گیریم، بی نتیجه می‌مانند.

"من نمی‌توانم راضی باشم" - رولینگ استونز  
Rolling Stones

"من هنوز آنچه را که می‌جستم پیدا نکرده‌ام" -  
U2 یو ۲

نیست و باید چیزی بیشتر از روی هم انباشتن پول در بانک، یا اتومبیل، یا خانه، یا هر امر دیگری در زندگی وجود داشته باشد. مدام بیشتر و بیشتر می‌خواهید و هرگز ارضا نمی‌شوید.

ما نمی‌توانیم باتلاشی بیشتر یا با داشتن ظاهری مرتب تر عمر از دست رفته را بازگردانیم، چون مشکل اینجاست که ما جدا از خدا به دنیا آمده‌ایم.

## اطاعت از مقررات کارساز نیست

◀ خدا برای بشریت سقوط کرده نقشه‌ای داشت، اما می‌بایست نخست ما را متقاعد می‌کرد که خودیاری و تلاش انسانی نمی‌تواند نیازهایمان را برطرف نماید. او این کار را با بستن عهدی با بشر بر اساس مفهوم شریعت انجام داد. اگر می‌توانستیم با تلاش انسانی بر طبق شریعت زندگی کنیم، در آن صورت برکت می‌یافتیم. اگر نمی‌توانستیم، آنوقت ملعون بودیم. البته، نتوانستیم، از این رو شریعت برایمان به لعنت تبدیل شد. شریعت نمی‌توانست حیاتی را که آدم و حوا از دست داده بودند، به ما بازگرداند (غلاطیان ۳: ۱۰ و ۲۱). این بخشی از نقشه بود، چراکه مقصود خدا از اعطای شریعت این بود که همچون یک آموزگار ما را بسوی مسیح هدایت نماید (غلاطیان ۳: ۲۴). او باید ما را نسبت به نو میدی ناشی از مرگ روحانیمان، یعنی جداییمان از خدا، آگاه می‌ساخت. و در عین حال، او، به خاطر رحمتش، نظام قربانی را برای کفاره گناه برقرار نمود. همه قربانی‌ها به یگانه قربانی نهایی، یعنی عیسی مسیح اشاره می‌کردند.

پس همه ما به شکلی کاملاً متفاوت از آنچه که برای آن طراحی شده بودیم پا به این جهان گذاشتیم، کاملاً محروم از منبع راستین حیات روحانی.



واقعیت اینست که همگی در عمق وجودمان محتاج محبت بدون شرط هستیم. بنا بر این استدلال، خودمان نمی‌توانیم برای بدست آوردن این محبت، کاری انجام دهیم





## مکت برای تفکر - ۲

هدف:

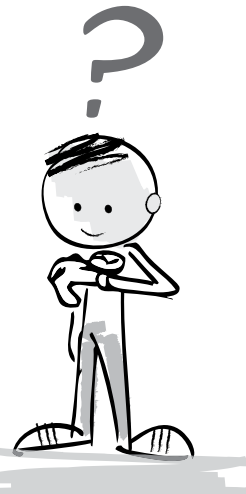
کمک به افراد برای درک اینکه شخصاً تحت تأثیر پیامدهای گناه آدم و حوا قرار گرفته اند و بدون مسیح نمی‌توانند با این پیامدها روبرو شوند.

### سؤالات:

پیامدهای گناه آدم و حوا برای ما چه چیزهایی بودند؟

شما مشخصاً با کدامیک از آنها خود را یکسان می‌دانید و چرا؟

به معادلات غلط "بهترین چیزی که جهان می‌تواند به ما بدهد" در کتاب راهنمای خود نگاهی بیندازید. مردم عموماً چگونه سعی می‌کنند با نیازهای قوی خود برای احساس اهمیت، امنیت و پذیرفته شدن برخورد کنند؟ سعی کنید با ذکر مثال‌های مشخص نشان دهید که خودتان آنها را تجربه نموده، یا آنها را در دیگران مشاهده کرده‌اید.



## عیسی برای انجام چه کاری آمد؟

### حیات روحانی را به ما بازگرداند

تنها پاسخ ممکن برای این وضعیت نامساعد، احیای رابطه ما با خدا، برقراری ارتباط دوباره روحمان با روح خدا، و زنده شدن دوباره روحانی است. این کاری نبود که خودمان بتوانیم از عهده اش برآییم. ◀ از این رو، خدا عیسی را فرستاد تا اعمال شیطان را - که حوا را فریب داده بود و در نتیجه گناه، باعث جدایی آدم و حوا از خدا شده بود - باطل سازد.

عیسی از این نظر که جسماً و روحاً زنده بود، به آدم شباهت داشت. با این تفاوت که عیسی هرگز مرتکب گناه نشد. او برای ما سرمشق کسی شد که می‌تواند با حیات روحانی در این دنیای سقوط کرده زندگی کند، مشروط بر اینکه به پدر آسمانی وابسته باشد.

با این حال، هدف عیسی از آمدنش چیزی فراتر از سرمشق دادن به ما بود. او آمد تا ... او چرا آمد؟ نظر شما چیست؟ اکثر مردم احتمالاً خواهند گفت:

#### عیسی برای انجام چه کاری آمد

"من آمده‌ام تا ایشان حیات داشته باشند و از آن به فراوانی بهره‌مند شوند" (یوحنا ۱۰:۱۰)

"در آغاز کلام بود ... در او حیات بود و آن حیات، نور آدمیان بود" (یوحنا ۱:۱-۴)

"قیامت و حیات منم. آنکه به من ایمان آورد، حتی اگر بمیرد، باز زنده خواهد شد" (یوحنا ۱۱:۲۵)

او برای آمرزیدن گناهان ما آمد و البته این درست است. اما این تازه وسیله ای برای رسیدن به هدف بود. خود عیسی می‌فرماید:

◀ “من آمده‌ام تا ایشان حیات داشته باشند و از آن به فراوانی بهره‌مند شوند.” (یوحنا ۱۰:۱۰). [تأکید از ماست]

آدم چه چیزی را از دست داد؟ حیات. عیسی آمد تا به ما چه بدهد؟ حیات. واژه “حیات” را در سرتاسر عهدجدید مشاهده می‌کنید:

◀ “در آغاز کلام بود ... در او حیات بود و آن حیات، نور آدمیان بود.” (یوحنا ۱:۱-۴). [تأکید از ماست]

◀ “قیامت و حیات منم. آنکه به من ایمان آورد، حتی اگر بمیرد، باز زنده خواهد شد.” (یوحنا ۱۱:۲۵). [تأکید از ماست]

به عبارت دیگر، حتی اگر کسی جسماً هم بمیرد، روحاً خواهد زیست.

هنگامی که به مسیح ایمان می‌آوریم، روح ما با روح خدا ارتباط دوباره پیدا می‌کند- از نظر روحانی از نو زاده می‌شویم، و می‌توانیم خدا را بشناسیم و با یکدیگر با همان صمیمیتی که آدم و حوا تجربه کرده بودند، ارتباط برقرار نماییم. ◀ آنچه که آدم از دست داد حیات بود. آنچه عیسی برای بخشیدنش آمد، باز هم حیات بود.

## احیای اهمیت، امنیت و پذیرش

آیا فکر می‌کردید که حیات جاودانی با مردن نصیبتان می‌شود؟ ◀ این بسیار فراتر از آن است، حیات جاودانی کیفیتی به کلی متفاوت از حیاتی است که در حال حاضر دارید. در واقع، حیات جاودانی بازپس گرفتن همان حیاتی است که آدم هنگام سقوط از دست داد. یوحنا رسول در اول یوحنا ۱۲:۵ می‌نویسد: “آنکه پسر را دارد، حیات دارد و آنکه پسر خدا را ندارد از حیات برخوردار نیست.” از لحظه‌ای که عیسی را می‌یابیم، این حق به ما داده می‌شود که فرزندان خدا خوانده شویم (یوحنا ۱:۱۲). داشتن حیات مسیح در خود، احیای چیزی را که آدم و حوا در هنگام سقوط از دست داده بودند، امکان پذیر می‌سازد.

◀ اکنون نیازهای ما برای کسب یک هویت، پذیرفته‌شدن، امنیت و اهمیت داشتن بطور کامل در مسیح رفع می‌گردد. بیایید ببینیم کتاب مقدس در این باره چه می‌گوید.



دیگر آیات انجیل یوحنا که به حیاتی که عیسی با خود می‌آورد، اشاره دارند عبارتند از: یوحنا ۶:۴۸ و ۶:۱۴

### مسئله حیات مطرح است

آنچه که آدم از دست داد، حیات بود  
آنچه که عیسی برای دادنش آمد، حیات بود  
حیاتی با کیفیت متفاوت، در حال حاضر و تا به ابد  
حیات = اهمیت، امنیت، پذیرش

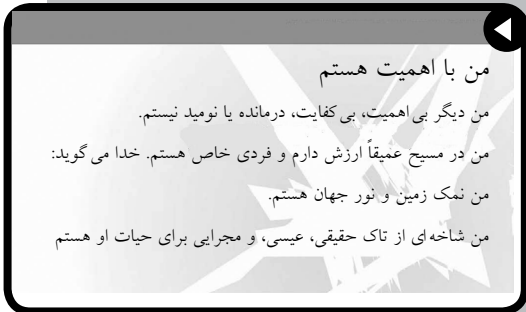


◀ با هم از روی "احیای اهمیت، امنیت و پذیرش در مسیح" که در صفحات ۱۷ و ۱۸ راهنمای شرکت کنندگان فهرست شده است، و همچنین صفحه ۶۱ این کتاب، را بخوانید.

وقتی این مطالب را می‌خوانید، ممکن است تصور کنید که مشکل بتوان باور کرد که برآستی همه اینها در مورد شما هم مصداق دارد. اما اگر مسیحی هستید، خدا می‌گوید که اینها راست هستند! آیا قول آفریننده جهان هستی را باور دارید، یا به احساسات درونی خود اعتماد می‌کنید؟

همینطور که در طول دوره پیش می‌رویم، بیشتر در مورد این مطالب و معنای آنها در زندگی روزمره مان خواهیم آموخت: چرا دیگر نباید برای اینکه مورد پذیرش دیگران قرار بگیریم، دست به کوشش بسیار بزنیم؟ چرا به خاطر شرایط مان در مسیح ایمن هستیم؟ و چرا نباید نگران نیازهایمان باشیم؟

شاید مطلب کلیدی که اکنون باید درک کنیم این باشد که اگر خدا می‌گوید که این نکات حقیقت دارند، پس به راستی حقیقت دارند. خدا حقیقت است - مسئولیت ما دریافتن حقیقت و ایمان آوردن بدان است، حتی زمانی که احساسات و شرایطمان چیز دیگری به ما بگویند.



مجموعاً ۹ اسلاید



"آیا قول آفریننده جهان هستی را باور دارید، یا به احساسات درونی خود اعتماد می‌کنید؟" این پرسشی بنیادی در کل دوره به شمار می‌رود. شما مدام نیاز دارید که مردم را به چالش وادارید که آیا کلام خدا را باور دارند یا احساسات خودشان را.



## مکتب برای تفکر - ۳

هدف:

اعتراف به اینکه همیشه احساس نمی‌کنیم که این عبارات کتاب مقدس حقیقی هستند، اما اگر خدا می‌گوید که در مورد ما صدق می‌کنند، پس به راستی چنین است.

### ◀ سوالات:

از عباراتی که با همدیگر خواندیم، آیا مطلبی بود که شما را غافلگیر کرده باشد؟ چرا؟

از عباراتی که با همدیگر خواندیم، کدامیک به طور مشخص باعث تشویق شما شد؟ چرا؟

اگر خدا چیزی را در مورد ما می‌گوید، اما احساس نمی‌کنیم که در مورد ما صدق می‌کند چگونه می‌توانیم نسبت بدان واکنش نشان دهیم؟



## خلاصه



در سرتاسر دوره نشان داده می‌شود که تفاوت میان مسیحیان و آنانی که هنوز مسیحی نشده‌اند، کاملاً مشخص است. بسته به گروه، در این مرحله می‌تواند ارزشش را داشته باشد که بر این تأکید نمایید که تنها زمانی این "حیات" به شما باز گردانده خواهد شد که مسیحی شوید. شاید دوست داشته باشید چیزی شبیه به این بگویید: "اگر از مسیحی بودن خود اطمینان ندارید، پس می‌توانید به سادگی آن را همچون هدیه ای رایگان از خدا دریافت کنید. تنها کافی است از خدا تشکر کنید که عیسی را فرستاد تا زمانی که در نومییدی کامل به سر می‌بردید، برای شما بمیرد و بعد او را به عنوان خداوند و نجات دهنده خود بپذیرید."  
می‌توانید این کار (یا هر دو کار) را در جلسه بعد انجام دهید

دیدیم که آدم و حوا از حیات روحانی، که به معنای رابطه صمیمانه با خدا و پذیرش، اهمیت و امنیت کامل است، برخوردار بودند. اما آنرا از دست دادند، و به همین خاطر با وجودی که ما برای یک چنین زندگی ای طراحی شده بودیم، بدون حیات روحانی به دنیا آمده‌ایم.

عیسی آمد تا این حیات را به ما باز گرداند. مسیحیان از هم اکنون از همین حیات برخوردارند. ایشان آنرا همانگونه که در کلام خدا آمده، تجربه می‌کنند.

"آن که پسر را دارد، حیات دارد و آن که پسر خدا را ندارد از حیات برخوردار نیست." (اول یوحنا ۵: ۱۲).

در جلسه بعدی باز به این پرسش بر می‌گردیم که "من کیستم؟" و به این حقیقت که مسیحی بودن به چه معناست، نگاهی خواهیم افکند. ◀

## شهادت



مردم عموماً چگونه سعی می‌کنند با احساس شدیدشان به پذیرفته شدن، ارزشمند بودن و در امنیت بودن روبرو شوند؟ چگونه می‌توانید برای همسایه غیرمسیحی خود توضیح دهید که در نهایت، تنها در مسیح می‌توان همه اینها را بدست آورد؟

## در هفته آینده



"احیای اهمیت، امنیت و پذیرش در مسیح" را هر روز با صدای بلند بخوانید. سپس یکی از حقایقی را که به طور مشخص با شما ارتباط پیدا می‌کند در نظر بگیرید و زمانی را صرف خواندن آن از روی متن کنید و از خدا بخواهید شما را در فهم کامل‌تر آن یاری دهد.



# احیای اهمیت، امنیت و پذیرش در مسیح

## من دارای اهمیت هستم.

من دیگر بی اهمیت، بی کفایت، درمانده یا نومید نیستم. من در مسیح عمیقاً ارزش و اهمیت دارم و فردی خاص هستم. خدا می فرماید:

متی ۵: ۱۳ و ۱۴	من نمک زمین و نور جهان هستم.
یوحنا ۱۵: ۱ و ۵	من شاخه ای از تاک حقیقی، عیسی، و مجرای برای حیات او هستم.
یوحنا ۱۵: ۱۶	خدا مرا برگزیده و مقرر داشته تا میوه آورم.
اعمال ۱: ۸	من شخصاً و با قوت روح القدس، شاهد مسیح هستم.
اول قرن‌تینان ۳: ۱۶	من معبد خدا هستم.
دوم قرن‌تینان ۵: ۱۷-۲۱	من خادم آشتی و مصالحه برای خدا هستم.
دوم قرن‌تینان ۶: ۱	من همکار خدا هستم.
افسیسیان ۲: ۶	من با مسیح در جایهای آسمانی نشانیده شده‌ام.
افسیسیان ۲: ۱۰	من ساخته دست خدا هستم و آفریده شده‌ام برای انجام کارهای نیکو.
افسیسیان ۳: ۱۲	من می توانم آزادانه و با اطمینان به خدا نزدیک شوم.
فیلیپیان ۴: ۱۳	من قدرت هرچیز را دارم در مسیح که مرا نیرو می بخشد!

## من ایمن هستم

رومیان ۸: ۱ و ۲	من دیگر مقصر، بی دفاع، تنها و رها شده نیستم. من در مسیح کاملاً ایمن هستم. خدا می فرماید:
رومیان ۸: ۲۸	من برای همیشه از محکومیت آزادم.
رومیان ۸: ۳۱-۳۴	من مطمئن هستم که همه چیز با هم برای خیریت من در کار می باشد.
رومیان ۸: ۳۵-۳۹	من از هر اتهامی که بر ضدم اقامه شود، آزادم.
دوم قرن‌تینان ۱: ۲۱-۲۲	من نمی توانم از محبت خدا جدا باشم.
فیلیپیان ۱: ۶	من توسط خدا استوار شده، مسح شده و مهر شده‌ام.
فیلیپیان ۳: ۲۰	من اطمینان دارم کار نیکویی که خدا در من آغاز کرده به کمال خواهد رسید.
کولسیان ۳: ۳	من شهروند آسمان هستم.
دوم تیموتائوس ۱: ۷	من با مسیح در خدا پنهان هستم.
عبرانیان ۴: ۱۶	به من نه روح ضعف، بلکه روح قوت، محبت و انضباط داده شده است.
اول یوحنا ۵: ۱۸	من می توانم در هنگام نیاز، رحمت و فیض را به یاری خود بخوانم.
	من از خدا زاده شده‌ام و دست آن شریر به من نمی رسد.

## من پذیرفته شده هستم

یوحنا ۱: ۱۲	من دیگر مطرود، محروم از محبت یا ناپاک نیستم. من در مسیح کاملاً پذیرفته شده هستم. خدا می فرماید:
یوحنا ۱۵: ۱۵	من فرزند خدا هستم.
رومیان ۵: ۱۰	من دوست مسیح هستم.
اول قرن‌تینان ۶: ۱۷	من عادل شمرده شده‌ام.
اول قرن‌تینان ۶: ۱۹-۲۰	من به خداوند پیوند شده‌ام و با او یک روح هستم.
اول قرن‌تینان ۱۲: ۲۷	من به بهایی خریداری شده‌ام و دیگر از آن خود نیستم.
افسیسیان ۱: ۱	من عضوی از اعضای بدن مسیح هستم.
افسیسیان ۵: ۱	من مقدس هستم.
افسیسیان ۲: ۱۸	من فرزندخوانده خدا شده‌ام.
کولسیان ۱: ۱۴	من به واسطه روح القدس به خدا دسترسی مستقیم دارم.
کولسیان ۲: ۱۰	من بازخرید شده‌ام و همه گناهانم آمرزیده شده است.
	من در مسیح از کمال برخوردارم.